



گونه‌سنجی ارتباط بین فلسفه اسلامی و مسئله جنسیت

نرجس رودگر^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نسبت و تعامل فلسفه اسلامی با مسئله جنسیت به روش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام شد. براین اساس، پاسخ این پرسش که آیا حاصل نسبت این دو با عنوان «فلسفه جنسیت» طبقه‌بندی می‌شود و آیا نتیجه آن را می‌توان «جنسیت در فلسفه اسلامی» یا «فلسفه اسلامی و جنسیت» نام گذاری نمود؟ مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور کلیه منابع علمی مکتوب برای بررسی معانی مختلف فلسفه اسلامی و سپس با توجه به تعامل فلسفه‌های غرب با مسئله جنسیت، نسبت‌های مختلف محتمل فلسفه اسلامی و مسئله جنسیت توصیف و تحلیل شد. نتایج نشان داد که ارتباط جنسیت و فلسفه با توجه به معانی مختلف فلسفه، اشکال مختلفی دارد؛ اگر فلسفه به عامترین معنای آن در نظر نظر گرفته شود، گستره مسائل فلسفه و جنسیت شامل تمامی ربط‌های ممکن در فلسفه‌ها، عرفان‌ها و الهیات‌ها با مسئله جنسیت می‌شود و در صورتی که فلسفه به معنای متداول فلسفه اسلامی در نظر گرفته شود، مسائل آن به دلیل تفاوت موضوع در فلسفه اسلامی با فلسفه‌های غرب، تفاوت قابل توجهی با فلسفه‌های فمینیستی خواهد داشت. ازسوی دیگر بررسی مسئله جنسیت در ابواب مختلف علم‌النفوس فلسفی، نوعی توسعه ابواب فلسفه اسلامی است درحالی‌که از بررسی مسائلی مانند تعریف جنس و جنسیت در فلسفه اسلامی، خاستگاه جنسیت، روش و منابع بحث جنسیت مبتنی بر فلسفه اسلامی، نوعی فلسفه مضاف جنسیت حاصل می‌شود.

واژگان کلیدی: فلسفه اسلامی، فلسفه غرب، فلسفه فمینیستی، مسئله جنسیت و

فلسفه، فلسفه جنسیت، فلسفه مضاف جنسیت.

DOI: 10.22034/ijwf.2023.16057.2102

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳
۱. استادیار گروه فلسفه و عرفان اسلامی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. / مدیرگروه پژوهشکده مطالعات زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران.

Email: Narjes_Rodgar@miu.ac.ir

Email: n.roodgar@gmail.com

Orcid id: 0000-0002-2226-8249

The Relationship between Islamic Philosophy and Gender Issue

Narjes Roudgar ¹

This qualitative research was conducted with the aim of investigating the relationship and interaction of Islamic philosophy with gender issue with the inductive content analysis. Therefore, the answer to this question is whether the result of the ratio of these two is classified as "philosophy of gender" and whether its result can be named "gender in Islamic philosophy" or "Islamic philosophy and gender" was investigated. To this end, all written scientific sources were described and analyzed to investigate the different meanings of Islamic philosophy. Then, by considering the interaction of Western philosophies with the issue of gender, the possible ratios of Islamic philosophy and the issue of gender were studied. The results showed that the relationship between gender and philosophy has different forms according to the various meanings of philosophy. If philosophy is considered in its most general sense, the range of issues of philosophy and gender includes all possible relationships in philosophies, mysticisms and theologies with gender issue. On the other hand, if philosophy is considered in the common sense of Islamic philosophy, its issues are due to the difference of the subject. In Islamic philosophy with Western philosophies, it will be significantly different from feminist philosophies. On the other hand, examining the gender issue in various chapters of philosophical anthropology is a kind of development of the chapters of Islamic philosophy, while by examining issues such as the definition of sex and gender in Islamic philosophy, the origin of gender, the method and sources of gender discussion based on Islamic philosophy, a kind of additional philosophy of gender is obtained.

Keywords: Islamic philosophy, Western philosophy, feminist philosophy, issue of gender and philosophy, philosophy of gender, additional philosophy of gender.

DOI: 10.22034/ijwf.2023.16057.2102

Paper Type: Research

Data Received: 2023/05/31

Data Revised: 2023/09/04

Data Accepted: 2023/09/25

1. Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Mysticism, Bent al-Hoda Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. / Director of the Research Institute of Women and Family Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

Email: narjes_rodgar@miu.ac.ir

Email: n.roudgar@gmail.com

ORCID ID: 0000-0002-2226-8249

از جمله مباحث معاصر حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی جنسیت است که صاحب‌نظران زیادی در این حوزه‌های دانشی در مورد آن اعلام نظر کرده‌اند. ابتدای این رشته‌ها بر فلسفه، معرف‌شناسی و روش‌شناسی ویژه‌ای سبب تأثیر این مبانی فلسفی بر نظریات جنسیت شده است. این موضوع، ضرورت نظریه‌پردازی در موضوع جنسیت، مبتنی بر فلسفه بومی و اسلامی را محرز می‌نماید. فقدان نظریه‌پردازی در عرصه‌های علوم انسانی از جمله در موضوع جنسیت، در عمل به معنای فضا دادن به نظریات موجود است. بنابراین، هرگونه ادعای تمدنی و استقلال نظری در این باره، مستلزم تعیین مبانی و مواضع نظری در مسئله جنسیت است. فلسفه اسلامی به مثابه علم اُلی که قرار است مبنای تمام علوم انسانی-اسلامی باشد، اولین و مهمترین ساحت علمی در نظریه‌پردازی و مبنایابی در مسئله جنسیت است. جنسیت، مسئله‌ای است با رویکرد علوم اجتماعی که مستحدث و جدید است و چندان مورد توجه مستقیم فلاسفه مسلمان نبوده است. بنابراین، چگونگی ربط و تعامل بین فلسفه اسلامی و مسئله جنسیت، مسئله‌ای فلسفی است که در آغاز راه است و باید مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی ارتباط و تعامل فلسفه اسلامی با مسئله جنسیت برای رسیدن به نظریه جنسیت مبتنی بر فلسفه اسلامی انجام شد.

از آنجا که ربط و تعامل فلسفه و جنسیت در ادبیات فلسفی و نظری غرب دارای پیشینه قابل توجهی است، مرور و مطالعه و بررسی این پیشینه می‌تواند ربط‌ها و نسبت‌ها و تعاملات ممکن بین فلسفه و جنسیت را نشان دهد و منظور از فلسفه جنسیت یا مباحثی درباره فلسفه و جنسیت را مشخص کند. عطف فلسفه به جنسیت در قالب موضوعی برای رشته علمی، دایره‌ای را ترسیم می‌کند که تمام تعاملات محقق و ممکن بین فلسفه و جنسیت را پوشش می‌دهد. اضافه فلسفه به جنسیت (فلسفه جنسیت) شاخه جدیدی از فلسفه‌های مضاف را به ذهن متبادر می‌کند که طبق تعریف این فلسفه‌ها (ر.ک.، رشاد، ۱۳۸۵)، باید به سؤالات پیشینی درباره جنسیت پاسخ دهد. بنابراین، برای بررسی تعاملات ممکن

بین فلسفه و جنسیت، و یافتن ربط فلسفه اسلامی با مسئله جنسیت، پرسش‌ها و مسائلی که مورد تأمل و تحلیل قرار گرفت عبارتند از: تعریف فلسفه جنسیت در ادبیات فلسفی غرب و فمینیسم چیست؟ نسبت آن با فلسفه فمینیستی چیست و چه مسائلی را بررسی می‌کند؟ منظور از جنسیت در این ترکیب، معادل واژه Gender است یا Sexuality؟ منظور از فلسفه در فلسفه فمینیستی یا فلسفه جنسیت چیست و با فلسفه اسلامی چه تفاوتی دارد؟ فلسفه جنسیت با رویکرد اسلامی شامل چه مسائلی می‌تواند، باشد؟

۲. چارچوب نظری پژوهش

پژوهش‌هایی درباره جنسیت و مسائل فلسفه اسلامی یا مبتنی بر فلسفه اسلامی در ایران به‌ویژه در دهه اخیر منتشر شده است. از جمله، مجموعه مصاحبه‌هایی با اساتید فلسفه در موضوع جنسیت و نفس در کتاب جنسیت و نفس به‌کوشش صادقی (۱۳۹۱) منتشر و در آن سعی شده است رابطه نفس و جنسیت و قواعدی از فلسفه اسلامی که می‌تواند با این بحث چالش داشته باشد، مشخص شود. حسن پور، ضیائی قهنویه و مظفری‌فر (۱۳۹۸) در پژوهش خود باعنوان حکمت صدرایی و جنسیت انسانی، نیز همین مسئله را در حکمت متعالیه مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین رودگر (۱۴۰۰) در پژوهش خود باعنوان واکاوی جایگاه جنسیت در نفس براساس اصول علم‌النفس صدرایی، قواعد فلسفی دخیل در تبیین رابطه جنسیت و نفس در حکمت متعالیه را بررسی نموده است. اما آنچه همچنان محل ابهام است بررسی کلی چگونگی ربط بین فلسفه اسلامی و مسئله جنسیت است. هدف پژوهش حاضر بررسی ابهامات، چالش‌ها و ظرفیت‌های فلسفه اسلامی در رابطه با مسئله جنسیت برای ارائه نظریه یا نظریاتی مبتنی بر فلسفه اسلامی در موضوع مسئله جنسیت است. ربط دو واژه «فلسفه و جنسیت» چه به‌شکل مضاف و مضاف‌الیه، چه به‌شکل عطف، حامل دو متغیر مبهم است که قبل از هرگونه بحث از ربط مذکور، لازم است روشن شود که این دو مبهم عبارتند از: منظور از فلسفه و منظور از جنسیت. پس از بررسی این دو مفهوم، لازم است انواع و انحاء ربط بین این دو مفهوم نیز مورد بررسی قرار گیرد. براین اساس، با مروری بر مصادیق آثار علمی موجود باعنوان فلسفه جنسیت یا فلسفه و جنسیت، تلاش

می‌شود خصوصیات هر یک از این عناوین بررسی شود. پاسخ به سؤالات فوق کمک می‌کند به این سؤال اصلی که فلسفه اسلامی چه نسبتی با مسئله جنسیت می‌تواند پیدا کند؟ پاسخ داده شود.

۱-۲. کاربردهای واژه فلسفه در نسبت با واژه جنسیت

واژه فلسفه امروزه به معانی مختلفی و با قید و نسبت‌های متکثری به کار می‌رود. تفاوت این معانی را می‌توان به دلیل عمومیت و یا نسبت آن با قید جغرافیایی، تاریخی و یا محتوایی خاص آن دانست. در پژوهش حاضر، فلسفه در عامترین معنا، فلسفه اسلامی، فلسفه غرب و ارتباط هر یک با «جنسیت» مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۲. عامترین کاربرد فلسفه

فلسفه در معنایی عام به معنای هرگونه تبیین درمورد حقیقت جهان و هستی و انسان است که این تبیین ممکن است باروش عقلی یا هر روش دیگر انجام شود. برای مثال، تصویرگری‌هایی که در دین مسیحیت یا یهودیت درمورد جهان و انسان ارائه شده است با عنوان فلسفه مسیحیت یا فلسفه یهودیت نامگذاری می‌شود. این عناوین شامل نظرات کلی با رویکرد عرفانی (با تمام گونه‌های عرفان) نیز می‌شود. این عناوین اگرچه مطابق با معنای مشهور فلسفه نزد ما نیست، در غرب بسیار پرکاربرد است. ذیل همین معنای فلسفه، هرگونه مسئله مرتبط با زنان که در ادیان و عرفان به آن اشاره و تبیین شده است با عنوان نظریه جنسیت در فلسفه آن دین، آیین و عرفان، نامگذاری شده است. برای نمونه از نظام فکری و مجموعه تعالیم نظری موجود در یهودیت و مسیحیت با عنوان فلسفه یهودیت و یا مسیحیت یاد می‌شود و به مسائلی که در این نظام فکری و تعالیم نظری درمورد زن مطرح است، نظریه جنسیت در آن فلسفه (دین) گفته می‌شود. (سامولسن^۱، ۲۰۱۴)

جستجوی کاربرد دو واژه فلسفه و جنسیت در کنار یکدیگر، این کاربرد عام از فلسفه را نشان می‌دهد، بدین معنا، در مواردی که در آثار علمی، این دواژه در کنار یکدیگر به کار رفته‌اند، فلسفه به عامترین معنا مورد نظر بوده است و شامل محورها و ریز موضوعاتی است که در جدول ۱ بیان شده است.

محوربندی موضوعات در ترکیب «فلسفه و جنسیت»

نمونه‌هایی از موضوعات	محورهای فرعی	محورهای اصلی
جنسیت و نفس در فلسفه مشاء، اشراق، حکمت متعالیه	مسئله جنسیت در فلسفه اسلامی	جنسیت و فلسفه
«جنسیت و عقل» اقسام و اصطلاحات عقل و رابطه آن با جنسیت		
مسئله جنسیت در فلسفه‌های کلاسیک، مدرن و پست مدرن	مسئله جنسیت در مکاتب فلسفی غرب	
تذکیر علم در نگاه فیلسوفان غرب		
دوگانه عقل و احساس در فلسفه غرب		
شناسایی و فهرست زنان فیلسوف اسلامی و ارائه آراء و آثار اسلامی	زنان فیلسوف	
شناسایی و فهرست زنان فیلسوف غربی و ارائه آراء و آثار		
تأثیر جنسیت در معرفت از منظر فلاسفه مسلمان	مسئله جنسیت در معرفت‌شناسی اسلامی	جنسیت و معرفت‌شناسی
جنسیت به مثابه امر بر ساخته در جریان‌ات ساختارگرایی و پس‌ساختارگرایی و پست‌مدرنیسم	مسئله جنسیت در معرفت‌شناسی غرب	
مسئله جنسیت در عرفان نظری ^۲	مسئله جنسیت در عرفان اسلامی	جنسیت و عرفان ^۱
مسئله جنسیت در عرفان عملی		
مسئله جنسیت در عرفان بودایی؛ مسئله جنسیت در عرفان هندی؛ مسئله جنسیت در عرفان یهود؛ مسئله جنسیت در عرفان مسیحی؛ مسئله جنسیت در عرفان مانوی.	مسئله جنسیت در عرفان‌های غیر اسلامی	
مسئله جنسیت در شبه عرفان‌های غربی (عرفان‌های طبیعت‌گرایی سرخ‌پوستی، شمنیسم و...)	مسئله جنسیت در عرفان‌های نوظهور	
مسئله جنسیت در شبه عرفان‌های شرقی (عرفان‌های تعالی بخش معروف به تی.ام. (TM)، یوگا، ریکی)		
مسئله جنسیت در شبه عرفان‌های روان‌شناختی (قانون جذب، خودخدایی و...).		
(شناسایی و فهرست زنان عارف در دوره‌های مختلف و ارائه نظریات و آثار آنها)	زنان عارف	
جنسیت و مباحث کلام قدیم	جنسیت و مباحث کلام اسلامی	جنسیت و الهیات (مباحث کلامی)
جنسیت و مباحث کلام جدید		
	جنسیت در الهیات مسیحی	
	جنسیت در الهیات یهودی	
	الهیات جنسیتی	

۱. فلسفه در عامترین کاربردش اعم از هرگونه جهان‌بینی و انسان‌شناسی با هر روشی که هست، دین و عرفان را هم شامل می‌شود. طبق این کاربرد و اطلاق، مباحث مربوط به جنسیت در عرفان نیز ذیل تعریف عام فلسفه و جنسیت طبقه‌بندی می‌شود.

۲. یکی از مباحث مهم عرفان نظری اسلامی مباحث مربوط به انسان کامل است. ذیل این بحث، عارفان مسلمان مطالبی را در مورد ظرفیت‌های مشترک و متفاوت زن و مرد در نیل به مقامات بلند عرفانی بیان داشته‌اند که می‌توان از آنها به مثابه نظریه جنسیت در عرفان نظری یاد کرد. البته مباحث مربوط به جنسیت محدود به موضوع انسان کامل نیست و برخی نظریات وجودشناختی در عرفان نیز دارای صبغه و سائقه جنسیتی است. (ر.ک.، جوادی آملی، ۱۳۷۸)

	مسئله جنسیت در ادیان ابراهیمی	
	مسئله جنسیت در ادیان هندی	
جنسیت و ادیان	مسئله جنسیت در ادیان ایرانی قبل از اسلام	
	مسئله جنسیت در مذاهب آسیای شرقی	
	مسئله جنسیت در مذاهب آفریقایی	
جنسیت و فرق و مذاهب اسلامی	مسئله زن در فرق و مذاهب کلامی اهل سنت	
	مسئله زن در فرق و مذاهب کلامی شیعی	
	جنسیت و فلسفه اخلاق	
	جنسیت و فلسفه اخلاق با رویکرد مبانی اسلامی.	
	جنسیت و فلسفه تعلیم و تربیت	
	جنسیت و فلسفه تعلیم و تربیت با رویکرد مبانی اسلامی.	
	جنسیت و فلسفه تعلیم و تربیت با رویکرد مبانی غربی.	
	جنسیت و فلسفه حقوق	
جنسیت و فلسفه‌های مضاف	جنسیت و فلسفه روان‌شناسی	
	جنسیت و فلسفه هنر	
	جنسیت و فلسفه علوم اجتماعی	
	جنسیت و فلسفه بدن	
	جنسیت و فلسفه علم و فناوری	
جنسیت و فلسفه‌های فمینیستی	نقد مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی موج‌های سه‌گانه در فمینیسم	
	فیلسوفان فمینیست	
	مسئله جنسیت در جریان‌های روشنفکری ایران	
نظریه‌های جنسیت در جریان‌های روشنفکری با تأکید بر مبانی فلسفی ^۱	مسئله جنسیت در جریان‌های روشنفکری دوره مشروطه	
	مسئله جنسیت در جریان‌های روشنفکری دوره پهلوی	
	مسئله جنسیت در جریان‌های روشنفکری پس از انقلاب اسلامی	
	مسئله جنسیت در فکر عرب معاصر	



۱. جریان‌های روشنفکری اعم از جریان‌های روشنفکری ایران و جهان عرب، همگی از بیستر فلسفه‌های غربی ارتزاق کرده‌اند و متأثر از مکاتب فلسفی غرب ظاهر شده‌اند. از مهمترین دغدغه‌هایی که در طرح‌های روشنفکران مورد توجه بوده و غالب روشنفکران در مورد آن نظریه‌پردازی کرده‌اند مسئله زن و جنسیت است. این نظریه‌پردازی‌ها که برای تحلیل چگونگی و چرایی وضعیت زن مسلمان در جهان اسلام و راه‌های برون‌رفت از مشکلات موجود بوده است، مبتنی بر اندیشه‌های فلسفی‌ای صورت گرفته که طرح کلی نظریه روشنفکران متخذ از آنها بوده است. بنابراین، هرگونه نظریه جنسیت ارائه شده توسط روشنفکران در حیطه فلسفه و جنسیت جای می‌گیرد. (رک.، آرکون، ۱۳۷۹؛ مرزیسی، ۱۳۸۰؛ عرب‌صالحی، ۱۳۹۳؛ نصر حامد، ۲۰۱۹)



نسل دوم (دانش آموختگان غرب): جابری، آرگون، نصرحامد ابو زید، حسن حنفی		
دوره پست مدرن ها یا مابعدالحقیقه ها		
نوال سعداوی، فاطمه مرزیسی و ...	زنان روشنفکر عرب	
	مسئله جنسیت در اندیشه فلسفی روشنفکران افغانستان، پاکستان، هند و ...	
	خانواده از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و غرب	فلسفه و خانواده
	بنیادهای فلسفی اشکال خانواده از منظر فلاسفه مسلمان و غرب	
	فلسفه برای کودک	

۲-۳. منظور از فلسفه اسلامی

از جمله تقسیمات مشهور فلسفه، تقسیم آن به فلسفه اسلامی و فلسفه غرب است. تدقیق مراد از این دو دسته فلسفه، مشخص می‌کند این واژه در ترکیب فلسفه جنسیت چه معنای ای خواهد داشت. منظور از فلسفه اسلامی، نظریه‌پردازی‌های فلاسفه مسلمان در پاسخ به سؤالات کلی فلسفی است که در زمان شکل‌گیری آن وجود داشته است و تاکنون ادامه یافته است. پرسش از چیستی فلسفه، مسئله‌ای فلسفی است که بالطبع در مورد آن اختلافاتی وجود دارد. ارسطو در کتاب *متافیزیک*، فلسفه را دانشی دانسته که به موجود و لواحق آن نگرش دارد. (ارسطو، ۱۳۸۵) ابن سینا فلسفه را با سه ویژگی تعریف می‌کند: بالاترین علم به بالاترین معلوم، صحیح‌ترین و متقن‌ترین علم، معرفت به اسباب کل (ابن سینا، ۱۴۰۴ ه.ق). در ظاهر، هیچ‌یک از فلاسفه مسلمان، از کندی تا علامه طباطبایی فلسفه خود را فلسفه اسلامی نخوانده‌اند. در مورد زمان استعمال این تعبیر، این گمانه زنی وجود دارد که تعبیر فلسفه اسلامی در دهه‌های اخیر توسط مستشرقان برای نامگذاری تراث فلسفی فلاسفه جهان اسلام و تمایز گذاردن آن با فلسفه‌های مسیحیت به کار برده شده است که پس از ترجمه آثار آنان به عربی، این استعمال در بین مسلمانان نیز متداول شد. علاوه بر این، ورود فلسفه جدید غربی به جهان اسلام، متفکران مسلمان را بر آن داشت که برای حفظ تمایز بین این دو نوع مدل تفکر، فلسفه رایج خود را فلسفه اسلامی بنامند. برای نمونه، شهید صدر نام کتاب فلسفی خود را *فلسفتنا* نامید. (علی پور، ۱۳۸۹)

اضافه شدن قید «اسلامی» به فلسفه، چالش‌هایی را به همراه دارد. در پاسخ این سؤال

که به چه فلسفه‌ای می‌توان فلسفه اسلامی یا دینی گفت، نظریاتی ابراز شده است از جمله: اگر یافته‌های فلسفی با دین خاصی هماهنگ باشد، می‌توان این فلسفه را به آن دین متصف کرد. یا اگر فلسفه‌ای در فضای یک دین رشد کند و ویژگی‌های آن را بیابد به طوری که اگر آن دین نبود، این ویژگی‌ها را نداشت، می‌توان آن فلسفه را به این دین متصف نمود. یا اینکه اگر فلسفه در محیطی پدید آمده باشد که مردم آن به دینی خاص متدین‌اند یا پدیدآورندگان آن فلسفه، متدین به دین خاصی باشند. موارد مذکور نظریات قابل توجهی است که در مورد قید اسلامی در فلسفه اسلامی بیان شده است. شایان ذکر است نمی‌توان گفت فلسفه اسلامی، اسلام را فلسفه‌پردازی می‌کند؛ چراکه حجم قابل توجه مباحث امور عامه در فلسفه اسلامی، ناقض این سخن است. همچنین هدف فلسفه اسلامی مبرهن کردن عقائد اسلامی نیست؛ چراکه همین امر، فارق فلسفه و کلام اسلامی ناظر به هدف است. علاوه بر این، فلسفه اسلامی مدعی آن نیست که توانسته یا می‌تواند تمام آموزه‌های اسلام را اثبات کند. (علیپور، ۱۳۸۹)

آنچه موسوم به فلسفه اسلامی است، علمی بشری و حاصل تفکر عقلانی بشر، باروش عقلی در مسائل کلی هستی است که به دلیل مسلمان بودن فلاسفه یا طرح در جغرافیای جهان اسلام متأثر از باورهای اسلامی بوده است، اما چون این تأثیرپذیری در مقام گردآوری است نه داوری، آن را از فلسفه بودن خلع اعتبار نکرده است. همچنین چون مسائل آن داده‌ای بشری است، به راحتی و فقط با تمسک به داوری عقل، قابل طرح و رد است و قید اسلامی سبب ایجاد قداستی که آن را فراعقلی کند، نخواهد بود. نتیجه اینکه، هرگونه داوری در مورد مسئله جنسیت در فضای فلسفه اسلامی، اول اینکه داده‌ای بشری و قابل نقد و ابرام است. دوم اینکه، باروش عقلی به دست می‌آید و با همان روش نیز نقد می‌شود و سوم اینکه، تفاوت آن با سایر نظریات جنسیت آن است که مبتنی بر مبانی فلسفی‌ای شکل می‌گیرد که متأثر از جهان‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی است.

۴-۲. منظور از فلسفه غرب

تاریخ فلسفه غرب، نشانگر دوره‌های مختلفی از تحول در ناحیه موضوع فلسفه است. این تحولات به گونه‌ای بوده است که روش و مسائل فلسفی در هر دوره، هویت متفاوتی یافته



است. فلسفه در غرب با حکمت یونان شروع شد که موضوع آن، آرچه یا اصل اشیاء بود و در مراحل بعد با وجود و هستی جایگزین گردید. ارسطو از مقولاتی سخن گفت که نوعی دسته‌بندی در موجودات و حقایق بود. افلاطون، با طرح نظریه مُثُل، هستی حقیقی را از هستی پدیداری جدا کرد. اقلانیم چندگانه فلوطین نوعی طبقه‌بندی وجودشناختی بود. بنابراین، بحث فلاسفه در این موارد ذیل این مسئله که چه چیزی هستی حقیقی است؟ جای می‌گرفت. فلسفه قرون وسطی نیز وجود را مرکز تأملات قرار داده بود. این دوره با ظهور دکارت متزلزل شد.

رنه دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶)، فیلسوف عصر روشنگری، ثابت کرد در همه چیز می‌شود شک کرد و تنها چیزی که از نظر او قابل شک نیست منِ شک‌کننده است؛ منِ شک‌کننده نیز از راه شک اثبات می‌شود. بنابراین، اثبات همه هستی در محوریت سوژه یا فاعل شناسا قرار می‌گیرد. بدین ترتیب سوپژکتیویسم^۱ به معنای دخالت دادن منِ شناسا یا سوژه در فرایند ادراک از دکارت آغاز شد و روند رو به اشتداد و تزییدی را در افکار فیلسوفان متأخر غرب گذراند (پل ادواردز^۲، ۱۹۶۷، ۲۴۵/۸).

دوره وجود در فلسفه غرب، با شک دستوری دکارتی خاتمه پیدا کرد و وارد دوره معرفت شد. تغییر هویت فلسفه غرب از وجودشناسی به معرف‌شناسی با دکارت کلید خورد. ایمانوئل کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۴) با تفکیک عالم واقعیت و پدیدار (نومن^۳ و فنومن^۴) و تصریح به عدم دستیابی واقعیت (نومن)، مهر خاتمه را بر سودای امکان‌شناخت حقیقت در فلسفه غرب نواخت. به‌گونه‌ای که بعد از کانت هیچ‌یک از فلاسفه غرب نتوانستند از او عبور کنند و راهی بر امکان‌شناخت نفس الامر بیابند. (ژیلسون^۵، ۱۳۹۳) سوپژکتیویسم که با کوجیتوی^۶ دکارتی جرقه خورده بود با تفکیک شیء فی نفسه و پدیدار در کانت ثابت شد. فیلسوفان پس از کانت، نظم او را ارج نهادند و لوازم آن را پیگیری نمودند و یا به‌گونه‌ای نسبت به فلسفه او واکنش نشان دادند. از جمله کسانی که به نومن‌کانتی واکنش نشان

1. Subjectivism
2. Paul, E.
3. Nomen
4. Fenomen
5. Gilson
6. Cogito

داد هوسرل^۱ (۱۹۳۸-۱۸۵۹)، بنیانگذار پدیدارشناسی، بود که معرفت را بررسی پدیدارها دانست. از نظریه‌ی وقتی راهی برای شناخت واقع و نومن وجود ندارد، باید نسبت به آن توقف کرد و آن را تعلیق یا به اصطلاح، اپوخه^۲ نمود. در تقسیم ادوار جریان فکر فلسفی غرب، هوسرل را باید پایان مرحله معرفت دانستند که پس از او فلسفه وارد مرحله زبان شد. هرمنوتیک، مرحله جدیدی را در فلسفه غرب آغاز کرد. فهم، موضوع فلسفه‌پردازی در هرمنوتیک است. در واقع، هرمنوتیک فلسفی هستی‌شناسی فهم است که دو عنصر تاریخ‌مندی و زبان، مهمترین عناصر مؤثر در فهم می‌باشد (شرت، ۱۳۹۵؛ مکاری، ۱۳۹۶).^۳ پس از هرمنوتیک فلسفی، موضوع فلسفه حول محور عوامل مؤثر در فهم و شکل دهنده حقیقت رقم خورده است. فوکو (۱۹۸۴-۱۹۲۶) حقیقت را محصول گونه‌های مختلف الزام و اجبار دانسته است (شرت، ۱۳۹۵). ساختارگرایان حقیقت را ساخته ساختارهای زبانی و سپس اجتماعی توصیف کردند. وقتی نشانه (واژه) حاکی از واقع نباشد زبان و اندیشه نشانگر واقعیت عینی نیست. این سرشت جهان نیست که مفاهیم را درباره جهان تعیین می‌کند بلکه مفاهیم هستند که سرشت جهان را شکل می‌دهند (ماتیوز، ۱۳۷۸). سپس ساختارگرایی به عنوان نظریه‌ای درباره جامعه، ساختار جامعه را سازنده هویت انسان، معنا و حقیقت دانست که برای فهم آنان باید به ساخت‌های نهفته اجتماع پی برد (بودری، ۱۳۹۷).

در نیمه اول قرن بیستم، مکتب انتقادی حلقه فرانکفورت از نظر معرفت‌شناختی در تقابل با حلقه وین که دیدگاه پوزیتیویسم را دنبال می‌کرد، قرار گرفت. رویکرد انتقادی، علم پوزیتیویستی را به دلیل کارکرد محافظه‌کارانه و معرفتی از پاسخگویی به مسائل فرهنگی عاجز می‌دید و به دنبال آن بود تا با گذر از مرزهای عقلانیت ابزاری، خرد و عقلانیت را برای پاسخگویی به مسائل فرهنگی به کارگیرد. (پارسانیا، ۱۳۹۵) آنچه در این جریان قابل مشاهده است سیر فلسفه غرب از وجودشناسی به معرفت‌شناسی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی و سپس اهاله آن به فرهنگ است. این چرخش‌ها نه فقط موضوع بلکه مسائل و روش تفلسف را تغییر داد. وام‌گیری فلسفه فمینیستی از فلسفه‌های مدرن و پسامدرن و ارائه

1. Husserl
2. Epoche
3. Macquary



نظریه جنسیت طبق هر کدام در کنار نقد بنیادهای موسوم به مردانه فلسفه، دو جریان همزمان فمینیستی در برخورد با فلسفه‌های غرب است. تحولات فلسفه غرب در طول دوره‌های مختلف از نظر موضوع، مسائل و روش ازسویی و وام‌گیری فلسفه‌های فمینیستی از این مکاتب فلسفی ازسوی دیگر سبب شده است مسائل و روش‌ها در فلسفه‌های فمینیستی نیز متأثر از این تحولات باشد. این امر سبب می‌شود مسائل و روش تفلسف در فلسفه اسلامی در ارتباط با مسئله جنسیت، با فلسفه‌های غرب و فمینیستی تفاوت قابل توجه داشته باشد.

۲-۵. منظور از جنسیت

واژه جنسیت، در ادبیات نظری جریانات فمینیستی معنایابی شده است. تفکیک جنس و جنسیت اولین بار توسط فمینیست‌ها مطرح شد و یکی از مهمترین و مقدماتی‌ترین نظریاتی بود که محور تولید علم فمینیستی قرار گرفت. در فلسفه فمینیستی به تفاوت‌های فیزیکی دو جنس در اندام جنسی، اندام تولید مثل و فیزیکی عضلانی یا غیر عضلانی، تفاوت‌ها در قد و اندام، تفاوت‌ها در غدد برون‌ریز که انسان را به دو دسته نر و ماده تقسیم کرده است، جنس می‌گویند. همچنین به تفاوت‌های گرایشی، رفتاری، سلیق، علائق استعدادها و توانمندی‌ها که متأثر از فرهنگ، اجتماع، آموزش و عوامل بیرونی است، جنسیت می‌گویند. (رک. فریدمن^۱، ۱۳۸۱؛ کد^۲، ۱۳۸۲) بنابراین، معنای واژه جنسیت متأثر از نظریه فلسفی و سیاسی فمینیستی است. این موضوع لزوم دقت نظر برای استخدام این واژه در ترکیب فلسفه جنسیت یا فلسفه و جنسیت با رویکرد اسلامی را نشان می‌دهد.

جنسیت در برابر جنس، موضوعی است که اولین بار فمینیست‌ها به آن توجه کرده‌اند و کل نظریه‌پردازی‌های فمینیستی حول محور آن شکل گرفت. شایان ذکر است گرایشات مختلف فمینیستی، نظریات مختلفی را در مورد تعریف جنسیت، تفاوت آن با جنس، واقعی بودن یا برساخت بودن آن، همچنین ارتباط آن با جنس مطرح نموده‌اند که این نظریات در شکل‌گیری نظریات بعدی فمینیستی نقش راهبردی داشته است. بدین ترتیب هرگونه نظریه فلسفی در مورد آن، نیازمند تنقیح تعریف جنسیت است. قبل از هرگونه نظریه‌پردازی

1. Friedman
2. Lorain Code

فلسفی با رویکرد اسلامی در مورد جنسیت، لازم است تعریف آن مشخص شود و جانب فلسفه اسلامی در مورد تفاوت جنس و جنسیت واضح شود.

کلیدواژه مباحث جنسیتی در فلسفه اسلامی، واژگان ذکورت و انوئت یا نرینگی و مادینگی است. اگر منظور از ذکورت و انوئت را فقط اندام جنسی و جهاز تولید مثل دانسته شود و تفاوت‌های غدد درون‌ریز و هورمون‌ها که سبب ایجاد اندام متفاوت می‌شود نیز در نظر گرفته شود، این دو واژه معادل جنس است نه جنسیت.

منظور فلاسفه مسلمان از جنسیت که بخشی از هویت فردی است و با تأثیر از عوامل خارجی شکل گرفته است، ذکورت و انوئت نبوده است. ازسوی دیگر ذکورت و انوئت را نمی‌توان به واژه جنس که محدود به تفاوت‌های فیزیکی است، ارجاع داد. فیلسوفان مسلمان، ذکورت و انوئت را که مبدأ تفاوت‌های جنسی در نفس است، متعلق به مرتبه نفس نباتی یا حیوانی انسان دانستند. (ابن سینا، ۱۳۷۹) بنابراین، تفاوت‌های جنسی که در فیزیک و جسم انسان ظاهر می‌شود مبدأ نفسانی دارد. البته این فقط بخشی از گستره نظریه‌پردازی در مورد واژه جنسیت است؛ چراکه ابعاد اجتماعی آن همچنان نیازمند دقت نظر است. کنکاش در مورد میزان و چگونگی تأثیرگذاری امور فرهنگی و اجتماعی در هویت انسان و نظریه‌پردازی در مورد آن در فضای فلسفه اسلامی بخش بعدی این گستره است. ظرفیت نظریه‌پردازی فلسفه اسلامی در امور اجتماعی و به اصطلاح، پیگیری امتدادات اجتماعی آن از خلأهای نظری این موضوع است. باید مشخص شود کدام دسته از مسائل و آموزه‌های فلسفه اسلامی می‌تواند در پاسخ به این سؤال، نقش ایفا کنند. این درحالی است که در اکثر تحقیقات کنونی با رهیافت مسئله جنسیت در فلسفه اسلامی، این دو واژه به اشتباه و مسامحه، با جنسیت یکی انگاشته شده است. در برخی موارد نیز به وجود تفاوت‌های آنها اشاره شده است، اما در نهایت مراد از واژه جنسیت در فلسفه اسلامی مشخص نشده است و برای آن معادل‌سازی مفهومی انجام نشده است. در نتیجه می‌توان گفت که تمامی تحقیقات کنونی در موضوع فلسفه اسلامی و جنسیت، فاقد مبادی تصویری لازم و مکفی است.

جنسیت در هر معنا که در نظر گرفته شود امری اجتماعی یا مربوط به اجتماع است

و تعریف آن مستلزم مبانی فلسفی اجتماعی است. بازتعریف مفهوم جنسیت با مبانی فلسفه اسلامی نیازمند امتداد فلسفه اسلامی در ابعاد اجتماعی است. نظریه‌های اعتباری علامه طباطبایی، از نظریاتی است که امتداد فلسفه اسلامی در مسائل اجتماعی را هدف گرفته است. (ر.ک.، مطهری، ۱۳۷۹) این نظریه با تمام حواشی و نقدهایی که بر آن وارد شده است، می‌تواند نقطه‌آغازی برای نظریه‌پردازی در حوزه فلسفه اسلامی و جنسیت و به‌ویژه بازتعریف واژه جنسیت بر این مبنا باشد. نظریه‌های اعتباری، نظریه‌های اجتماعی است که در فضای حکمت متعالیه شکل گرفته است. حکمت متعالیه با توجه به اسفار چهارگانه‌ای که در سیر استکمالی انسان بیان می‌کند و در دو سفر آخر، هویت اجتماعی می‌یابد، می‌تواند پایه نظریه اجتماعی قرار گیرد. عارف در دو سفر اول بیشتر از حیث فردی به کمال می‌رسد و سفر سوم، آغازی بر استکمال بُعد اجتماعی انسان است. با این بیان، نیمی از مسیر کمال انسان حیثیت اجتماعی دارد (ر.ک.، ملاصدرا، ۱۳۹۸).

هویت فرد و هویت اجتماع و ترابط آنها، امتدادات سیاسی حکمت متعالیه یا فلسفه سینوی، نظریه‌های اعتباری و نقش عنصر تغییر در آن، تعریف انسان به مثابه ذاتی عین‌صیور و شدن، نقش عمل در هویت و صیوریت، از جمله مسائلی است که مورد فلسفه‌ورزی فیلسوفان معاصر مسلمان قرار گرفته است و می‌تواند مجالی برای نظریه‌پردازی در تعریف و تنقیح ابعاد اجتماعی جنسیت باشد.

۲-۶. منظور از فلسفه جنسیت

ترکیب اضافی فلسفه جنسیت، یک ترکیب وارداتی است، یعنی این ترکیب در ادبیات فلسفه و علوم انسانی غرب متولد شده و نشو و نما داشته است. از این رو، هرگونه استعمال این ترکیب بدون مطالعه استعمالات قبلی آن غیر عالمانه است. لازم است معنای این ترکیب، تاریخچه‌پیدایی آن و تطورات احتمالی معنایی آن بررسی و مشخص شود اگر کسی بخواهد در ادبیات بومی از این ترکیب استفاده نماید، استعمال او چه نسبتی با معنای پیشین آن دارد یا می‌تواند داشته باشد و آیا مراد از فلسفه جنسیت همان معنای مورد نظر در ادبیات فمینیستی است یا معنای دیگری مورد نظر فرد است و یا فقط جرح و تعدیلی بر معنای موجود خواهد داشت؟ بنابراین، لازم است منظور فمینیست‌ها یا متفکران غرب از

این عبارت مشخص شود. از جمله راه‌های تعریف این عبارت، بررسی مسائلی است که ذیل عنوان فلسفه جنسیت بحث می‌شده است؟

مرور ادبیات نظری و فلسفی غرب ذیل جستجوی دو واژه فلسفه و جنسیت، حاکی از آن است که محتواهای ناظر به این دو کلیدواژه، با فراوانی کمتری به شکل ترکیب اضافی «فلسفه جنسیت» در موردز ربط و نسبت جنسیت و مباحث فلسفی بحث می‌کند. عنوان فلسفه جنسیت، بیش از آنکه ترجمه The philosophy of Gender باشد، ترجمه The philosophy of Sexuality یعنی، فلسفه امر جنسی است. درحالی‌که فلسفه‌ی امر جنسی که به سؤالات پیشینی و کلی درباره فعالیت و عمل جنسی می‌پردازد، فقط یکی از مسائل فلسفه جنسیت خواهد بود، آن هم مسئله‌ای دست چندم. (واتسن، کمبلز و ارپ،^۱ ۲۰۲۲) علاوه بر اینکه آنچه در مورد مسئله جنسیت و ربط آن به فلسفه است در ادبیات نظری مذکور، با ترکیب‌هایی نظیر «جنسیت در فلسفه فلان»، «جنسیت و فلسفه X» و یا «انعکاس جنسیت در فلسفه» و تعابیری از این قبیل به کار رفته است. به طور خلاصه مسائلی که در این آثار مورد بررسی قرار گرفته است عبارتند از:

- تبیین فلسفی برابری و تفاوت در دو جنس؛

- تبیین فلسفی تعریف جنسیت؛

- تبیین فلسفی برابری و سعی در ارائه نظریه سیاسی فرهنگی مطابق آن؛

- رابطه فلسفه و زنان، اعم از تاریخ زنان فیلسوف یا دیدگاه فلاسفه نسبت به زنان؛

- رابطه فلسفه مسیحیت و یهودیت و زنان، اعم از جایگاه زن در این دو دین و بررسی

آراء زنانی که آموزه‌های این دو دین را بررسی کرده‌اند؛

- پاسخ‌های فلسفی به مسائل و مطالبات زنانه اعم از چگونگی وضعیت زنان، علت

فرودستی، آرمان زنانه، راه‌های رسیدن به وضعیت آرمانی (پاسخ به سؤالات چندگانه ریتزر

که از نظر او جامع نظریات فمینیستی بود. (ر.ک.، ریتزر^۲، ۱۳۷۴)

مطالعه فوق نشان می‌دهد مسائلی و محتواهایی که ذیل عنوان «فلسفه و جنسیت»

مطرح می‌شود شباهت بسیاری با مسائلی دارد که ذیل عنوان فلسفه فمینیستی عنوان

می‌گردد. شاید بتوان عمده تفاوت این دو رویکرد را در سیاسی‌تر بودن اولی و فلسفی‌تر بودن دومی دانست. (نلسون^۱، ۲۰۱۷؛ هندریکس و الیور^۲، ۱۹۹۹؛ ویت و آلن^۳، ۲۰۰۵؛ پاتر^۴، ۲۰۰۶؛ نی^۵، ۲۰۰۴؛ پالازانی^۶، ۲۰۱۳)

ازسویی آثاری که باعنوان «متافیزیک جنسیت» ارائه می‌شود به صورت تخصصی‌تر به مسئله تفکیک جنس و جنسیت، هویت زنانه و مردانه به مثابه امری پیشینی و مبنایی برای هرگونه نظریه‌پردازی‌های بعدی نظریات جنسیت می‌پردازد و درمورد از سایر رویکردهای روان‌شناختی، فلسفه ذهن، فلسفه بدن و... بهره می‌برد.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

باتوجه به معانی که از «فلسفه اسلامی»، «فلسفه غرب» و «فلسفه جنسیت» و مسائل و محتوای ذیل آن بیان شد، ربط و نسبت مسائل و محتوای فلسفه اسلامی و جنسیت به شرح زیر تحلیل می‌شود:

- رابطه فلسفه و زنان، اعم از تاریخ زنان فیلسوف یا دیدگاه فلاسفه نسبت به زنان: به نظر می‌رسد این محتوا تحت عنوان «فلسفه اسلامی و جنسیت» یا «جنسیت در فلسفه اسلامی» می‌گنجد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد این موضوع بیشتر ربط فلسفه و جنسیت باشد نه فلسفه جنسیت. بنابراین، صرفاً در بحثی مقدماتی یا حاشیه‌ای یا ذیل بحث تاریخ فلسفه‌ای طبقه‌بندی می‌شود.

- پاسخ به سؤالات درمورد چیستی وضعیت کنونی و آرمانی زنان و درصورت امکان، راهکار رسیدن به وضع مطلوب طبق مبنای و آموزه‌های فلسفه اسلامی: در این مورد باید بررسی کرد که آیا فلسفه اسلامی ظرفیت و یا رویکرد اجتماعی برای پاسخ‌گویی به سؤالات چندگانه فوق را دارد؟ یا در فضای فلسفه اسلامی این مسائل جزو مسائل فلسفی محسوب می‌شود؟

به نظر می‌رسد باتوجه به تفاوت فلسفه اسلامی و فلسفه‌های غرب در موضوع، جایگاه

1. Nelson, L. H.
2. Hendricks, Ch., & Oliver, K.
3. Witt, Ch., & Alanen, L.
4. Potter, E.
5. Nye, A.
6. Palazzani, L.

سؤالات مذکور در فلسفه اسلامی که به وجود بما هو وجود می پردازد، نیست. برخلاف فلسفه های قاره ای که اصالتاً در موضوع ساختار و جامعه، فلسفه پردازی می کند و بدین سبب مسائل علوم اجتماعی به گونه ایی جزو مسائل فلسفی در این سنت به شمار می آید، اما باید توجه داشت خروج اصالتی این مسائل از فلسفه اسلامی به معنای فقدان مبانی در فلسفه اسلامی، ناظر به این مسائل نیست. در این مورد آنچه باید تولید شود در درجه اول نظریه اجتماعی حکمت سینوی یا صدرایی است و در وهله دوم نظریه جنسیت است، یعنی قبل از آنکه نظریه فلسفی جنسیت تولید شود باید نظریه اجتماعی مبتنی بر فلسفه اسلامی را تولید کرد. همچنین به نظر می رسد محتوای مذکور با توجه به هویت متفاوت فلسفه اسلامی، با عنوان «نظریه جنسیت» نزدیک تر است تا «فلسفه جنسیت».

- نظریه پردازی درباره زنانگی و مردانگی، جایگاه آن در هویت انسانی، نسبت آن با بدن، نفس، عقل، اجتماع، طبق مبانی فلسفه اسلامی در علم النفس فلسفی و امتدادات اجتماعی آن: لازم به گفتن است این معنا از فلسفه جنسیت، در ادبیات غربی با در نظر گرفتن تفاوت های دو جنس، به «متافیزیک جنسیت» نزدیک تر است تا «فلسفه جنسیت»؛ زیرا در متافیزیک جنسیت، تمرکز بر ارائه نظریات فلسفی و میان رشته ای فلسفی، در مورد حقیقت جنسیت و عوامل مؤثر در آن و احکام مربوط به آن است و ابعاد اجتماعی و فمینیستی ای که در مورد ستم، برابری و بایدها و نبایدها برای آرمان زنانه با عنوان فلسفه جنسیت یا فلسفه فمینیستی مشاهده می گردد در اینجا کمتر دیده می شود. (میکلا، ۲۰۱۱؛ فری^۲، ۲۰۱۱؛ ویت^۳، ۲۰۱۱)

از سوی دیگر، با توجه به هویت فلسفه اسلامی و تمرکز آن بر موضوع وجود، به نظر می رسد محتوای مذکور که در غرب، بیشتر ذیل عنوان «متافیزیک جنسیت» می آید در فلسفه اسلامی می تواند ذیل عنوان «فلسفه جنسیت با رویکرد اسلامی» مندرج شود. این عنوان می تواند عنوانی از فلسفه مضاف به شمار آید که طبق تعریف اقسام فلسفه های مضاف، مضاف الیه در آن، یک پدیده است، نه یک دانش. همچنین مانند فلسفه اخلاق

1. Mikkola, M.
2. Frye, M.
3. Witt, Ch.



تدوین شده توسط فلاسفه معاصر مسلمان، در فلسفه جنسیت نیز حذف قید اسلامی به شرط قرینه، جایز به نظر می‌رسد.

مسائل و محتوای «فلسفه جنسیت با رویکرد اسلامی» در نگاه اول می‌تواند بدین شرح تنظیم شود:

- تعریف جنسیت مبتنی بر فلسفه اسلامی؛
- واکاوی جنسیت در مسائل علم النفس فلسفی از جمله حدوث نفس، قوای نفس، مراتب نفس، سعادت نفس، عقل نظری و عقل عملی؛
- جانمایی جنسیت در نفس، بدن و هویت انسانی؛
- تأثیر جنسیت در معرفت طبق معرفت‌شناسی اسلامی؛
- تأثیر جنسیت در فلسفه‌های مضاف اسلامی از جمله فلسفه اخلاق، تعلیم و تربیت، سیاست.

اما همچنان عنوان فلسفه مضاف برای این موضوع، با چالش‌هایی مواجه است که ناشی از چالش‌ها در تعریف فلسفه‌های مضاف است.

اگر فلسفه مضاف، علم به مبادی، منابع و روش‌های یک علم دانسته شود و مسائل علم خارج از فلسفه مضاف آن باشد، می‌توان گفت که بحث از اینکه جنسیت در نفس، قوا و مراتب آن، مراحل حدوث آن و در غایت و سعادت آن تأثیر دارد یا نه، از جمله مباحث فلسفه اسلامی با موضوع جنسیت خواهد بود، نه مباحثی با عنوان «فلسفه مضاف جنسیت». بدین معنا که اضافه کردن بحث جنسیت به ابواب و فصول آثار فلسفی، سبب توسعه ابواب فلسفه اسلامی خواهد شد. به این صورت که در هر یک از فصول علم النفس فلسفی، بحثی ذیل عنوان جنسیت نیز ذکر شود.

با این دقت، محتواهای ناظر به فلسفه جنسیت عبارتند از: چیستی جنس و جنسیت و تفاوت آنها، علل و مبادی تفاوت‌های جنسی و جنسیتی، منابع مربوط به فلسفه اسلامی که می‌توان مسئله جنسیت را در آنها بررسی نمود، روش بررسی مسئله جنسیت، غایت و اهداف بررسی جنسیت از منظر فلسفه اسلامی.

در این تفکیک، روش در «فلسفه اسلامی و جنسیت» همان روش فلسفه اسلامی یعنی،

عقلی و برهانی خواهد بود، اما روش در محتواهای فوق در «فلسفه جنسیت» می‌تواند اعم از عقلی، تفسیری، آماری و شاید بتوان گفت همه روش‌های مربوط به علوم انسانی باشد. همچنین در عنوان فلسفه اسلامی و جنسیت، به نظر می‌رسد جنسیت بیشتر از آنکه یک مسئله وجودشناختی عام باشد، یک مسئله انسان‌شناختی، ذیل علم‌النفس فلسفی است که در نتیجه آن ابعاد معرفت‌شناختی هم پیدا می‌کند. البته سؤالات جهان‌شناختی و هستی‌شناختی هم تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر بحث دارند. برای مثال، مباحث الهیاتی در مورد صفات الهی از جمله حکمت، محبت و عدالت الهی از مبانی وجودشناختی یا الهیاتی بحث مذکور به‌شمار می‌آید.

باتوجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد تصمیم‌گیری در مورد نوع ارتباط فلسفه اسلامی با مسئله جنسیت، در مرحله اول به مفهوم متخذ از دو واژه فلسفه و جنسیت باز می‌گردد. فلسفه با معنای عام تبیین هستی‌شناختی و جهان‌شناختی، می‌تواند به شکل عطف به جنسیت (فلسفه و جنسیت)، شامل محتواهایی باشد که در جهان بینی‌های فلسفی، کلامی، عرفانی و دینی در مورد جنسیت بیان شده است. در ربط و نسبت «فلسفه غرب و جنسیت» باتوجه به چرخش‌های قابل توجه در موضوع فلسفه در غرب، از وجود به معرفت و سپس به زبان و جامعه و همچنین باتوجه به تفاوت‌های روشی در مکاتب مختلف فلسفی در غرب، با مسائل و رویکردهای مختلفی در مورد جنسیت مواجهیم که مشاهده می‌شود تأثیر مستقیم بر شکل‌گیری نظریات فمینیستی و فلسفه‌های فمینیستی داشته است. برای نمونه می‌توان به ظهور فمینیسم لیبرال، رادیکال، مارکسیست، سوسیال، مدرن و پسامدرن، در پس ظهور هر یک از نحله‌های فلسفی لیبرالیسم، رادیکالیسم، مارکسیسم، سوسیالیسم، مدرنیسم و پسامدرنیسم یاد کرد. (ر.ک. رودگر، ۱۳۸۸) این موضوع تفاوت‌های قابل توجهی را در مسائل فلسفی جنسیت مبتنی بر فلسفه غرب و فلسفه اسلامی به دنبال خواهد داشت.

مسائل و محتواهایی که ذیل عنوان «فلسفه و جنسیت» مطرح می‌شود شباهت بسیاری با مسائلی دارد که ذیل عنوان فلسفه فمینیستی عنوان می‌شود. شاید بتوان عمده تفاوت این دو رویکرد را در سیاسی‌تر بودن اولی و فلسفی‌تر بودن دومی دانست.



عنوان فلسفه جنسیت، بیش از آنکه ترجمه *The philosophy of Gender* باشد، ترجمه *The philosophy of Sexuality* یعنی، فلسفه امر جنسی است. در حالی که فلسفه امر جنسی که به سؤالات پیشینی و کلی درباره فعالیت و عمل جنسی می‌پردازد، فقط یکی از مسائل فلسفه جنسیت خواهد بود آن هم مسئله‌ای دست‌چندم.

در ربط و نسبت «فلسفه اسلامی و جنسیت» باتوجه به ربط و نسبت سنجی‌های فوق می‌توان به این نتیجه رسید که بررسی این موضوع میان رشته‌ای در دو بستر قابل طرح است: نخست، استنتاج قواعد فلسفه اسلامی در مورد مسئله جنسیت، برای نمونه بررسی مسئله جنسیت ذیل ابواب مختلف علم النفس فلسفی مانند جنسیت در نفس، قوا و مراتب آن، مراحل حدوث آن و نقش جنسیت در غایت و سعادت نفس که به نظر می‌رسد این محتوا ذیل عنوان «فلسفه اسلامی و جنسیت» یا «جنسیت در فلسفه اسلامی» جای می‌گیرد و توسعه در محتوای فلسفه اسلامی در موضوع جنسیت است. دوم، تعریف جنسیت طبق مبانی فلسفه اسلامی و یافتن خاستگاه‌های تعریف و تحلیل آن در فلسفه اسلامی و امتدادات اجتماعی آن که این حوزه به متافیزیک جنسیت نزدیک است. همچنین مسائل فلسفه جنسیت می‌تواند ذیل شاخه‌ای از فلسفه مضاف که جنسیت را به مثابه یک پدیده بررسی می‌کند و به سؤالات پیشینی در مورد آن پاسخ می‌دهد، طبقه‌بندی شود.

فهرست منابع

۱. ابن‌سینا، حسین (۱۴۰۴ه.ق). *الالهیات من کتاب الشفاء*. قم: منشورات مکتبه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲. ابن‌سینا، حسین (۱۳۷۹). *النجاه من الغرق فی بحر الضلالت*. تهران: دانشگاه تهران.
۳. ارسطو (۱۳۸۵). *مابعدالطبیعه*. تهران: طرح نو.
۴. آرکون، محمد (۱۳۷۹). *نقد عقل اسلامی*. مترجم: خلجی، محمد مهدی. تهران: نشر ایده.
۵. بودری نژاد، یحیی (۱۳۹۷). *روش‌شناسی دانش اجتماعی مسلمین*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. پارسانیا، حمید (۱۳۹۵). *روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی*. قم: کتاب فردا.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). *زن در آیین جمال و جلال الهی*. قم: نشر اسرا.
۸. حسن‌پور، علیرضا، ضیائی قهنویه، مجید، و مظفری‌فر، مهناز (۱۳۹۸). *حکمت صدرایی و جنسیت انسانی*. نشریه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، (۱۹۱)، ۱-۲۰.
۹. رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *فلسفه مضاف*. نشریه قیسات، ۴۰، ۵-۲۰.
۱۰. رودگر، نرجس (۱۳۸۸). *فمینیسم، تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها، نقد*. قم: مرکز تحقیقات زن و خانواده. و تهران: سازمان ملی جوانان.
۱۱. رودگر، نرجس (۱۴۰۰). *واکاوی جایگاه جنسیت در نفس براساس اصول علم النفس صدرایی*. نشریه مطالعات جنسیت و خانواده، ۲(۸)، ۹۵-۱۰۹.
۱۲. ریتزر، جورج (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دنیای معاصر*. مترجم: ثلاثی، محسن. تهران: نشر علمی-فرهنگی.

۱۳. ژیلسون، اتین (۱۳۹۳). تفکر فلسفی غرب. مترجم: احمدی، احمد. تهران: سمت.
۱۴. شرت، ایوون (۱۳۹۵). فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای. تهران: نشر نی.
۱۵. صادقی، هادی (۱۳۹۱). جنسیت و نفس. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۶. عرب‌صالحی، محمد (۱۳۹۳). مجموعه مقالات جریان‌شناسی و نقد اعتزالی نو. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. علیپور، ابراهیم (۱۳۸۹). درآمدی بر جنسیتی فلسفه اسلامی. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۸. فریدمن، جین (۱۳۸۱). فمینیسم. مترجم: مهاجر، فیروزه. تهران: آشیان.
۱۹. کد، لورین (۱۳۸۲). معرف‌شناسی و فمینیسم. مترجم: مینایی، فاطمه. نشریه تخصصی ناقد. ۱، ۱۵۹-۱۶۶.
۲۰. ماتپوز، اریک (۱۳۷۸). فلسفه فرانسه در قرن بیستم. مترجم: حکیمی، محسن. تهران: ققنوس.
۲۱. مرزیسی، فاطمه (۱۳۸۰). زنان پرده‌نشین و نخبگان جوشن‌پوش. تهران: نشرنی.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). اصول فلسفه و روش رئالیسم (مجموعه آثار). قم: مرکز نشر اسراء.
۲۳. مکواری، جان. و. و. و. هایدگر، مارتین (۱۳۹۶). مارتین هایدگر. مترجم: حنایی‌کاشانی، محمدسعید. تهران: هرمس.
۲۴. ملاصدرا، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۸). حکمت متعالیه در اسفار عقلی اربعه، سفر سوم. مترجم: خواجوی، محمد. تهران: انتشارات مولی.
۲۵. طاهری کل‌کشوندی، مسلم (۱۳۹۷). نصر حامد ابوزید: روش‌شناسی و تحلیل آثار. قم: المرکز الاسلامی للدراسات الاستراتیجیه.

26. Chanter, T. (2007). *Gender- Key Concepts in Philosophy -Continuum*. New York: continuum.
27. Frye, M. (2011). *Metaphors of Being*. New York: Springer.
28. Griffiths, M., & Whitford, M. (1988). *Feminist Perspectives in Philosophy*. UK: Palgrave Macmillan.
29. Hendricks, Ch., & Oliver, K. (1999). *Language and Liberation- Feminism, Philosophy, and Language*. New York: State University.
30. Mikkola, M. (2011). *Ontological Commitments, Sex and Gender*. New York: Springer.
31. Nelson, L. H. (2017). *Biology and Feminism- A Philosophical Introduction*. New York: Cambridge University Press.
32. Nye, A. (2004). *Feminism and Modern Philosophy, (Understanding Feminist Philosophy)*. New York: Routledge.
33. O'Neill, E., Marcy, P., & Lascano, M. (2019) *Feminist History of Philosophy- the Recovery and Evaluation of Women's Philosophical Thought*. New York: Springer International Publishing.
34. Palazzani, L. (2013). *Gender in Philosophy and Law*. Netherlands: Springer.
35. Paul, E. (1967). *encyclopedia of philosophy*. London: Macmillan publishing co.
36. Potter, E. (2006). *Feminism and Philosophy of Science*. New York: Routledge.
37. Samuelson, H. (2004). *Women and Gender in Jewish Philosophy (Jewish Literature and Culture)*. Indian: University Press.
38. Watson, L., Chambers, C., & Earp, B. D. (2022). *The Routledge Handbook of Philosophy of Sex and Sexuality*. New York: Routledge.
39. Witt, Ch. (2011). *The Metaphysics Of Gender (What Is Gender Essentialism?)*. Oxford: University Press.
40. Witt, Ch., & Alanen, L. (2005). *Feminist Reflections on the History of Philosophy*. Netherlands: Springer.